

شخصی سازی در مجتمع های مسکونی حداقلی و بازتاب آن در تحولات کالبدی معماری آنها (نمونه موردی: مجتمع های مسکونی مهر زیتون شهر پردیس)

چکیده

شخصی سازی در مسکن، یعنی ساکنین قادر باشند به طریقی مُهر خود را بر آن مکان بزنند و آن را متعلق به خود و شخصی نمایند. طراحی مسکن به صورت انبوه در قالب مجتمع های مسکونی (مانند طرح مسکن مهر)، معمولاً تنزل در کیفیت هویت اختصاصی واحدهای مسکونی را به همراه دارد. در صورتی که در عین وجود کمیونگی فضایی، تلاش برای غنای کیفی و ایجاد مکانی با هویت صورت نگیرد، ساکنین در ارتباط خود با مکان (خانه)، دچار مشکل می شوند و رابطه پایدار مکان - انسان شکل نخواهد گرفت. لذا دغدغه مند بودن طراحان، سازندگان، مسئولان و کاربران (ساکنین)، در رابطه با خلق مجتمع های مسکونی ضروری و مهم هست. با انتخاب نمونه موردی (مجتمع مسکن مهر زیتون در شهر جدید پردیس)، مطالعه میدانی با شیوه پرسه زنی، مشارکت فعال و گفت و گو با ساکنین انجام شد. رویکرد جمع آوری داده ها، نگرش سنجی از ساکنین و شیوه آن، پرسش نامه با سؤالات بسته (طیف لیکرت) و باز بود. اندازه جامعه آماری، ۳۷۸ واحد مسکونی دارای سکونت بود که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۱۹۰ واحد مسکونی به عنوان جامعه نمونه انتخاب شد. به منظور تحلیل داده ها، از سنجش فراوانی و روابط همبستگی پیرسون با کمک نرم افزار تحلیلی SPSS استفاده شد. کمترین میزان رضایت ساکنین مربوط به همسانی شکل واحدها (۰.۷) و ابعاد فضاها (۱.۲) و بیشترین دغدغه شخصی سازی مربوط به تغییر ابعاد فضاها (۴.۳) و تغییر و زیباسازی بلوک (۳.۳) بوده است. آزمون های همبستگی پیرسون نشان می دهد هرچه از فضاهای عمومی تر به فضاهای خصوصی تر می رسیم، دغدغه ذهنی و تمایل به مشارکت برای تغییر و شخصی سازی افزایش می یابد. در فضاهای عمومی (فضای باز و لابی) میزان مشارکت در شخصی سازی، تابعی از میزان رضایت افراد از فضاها و بسیار کم است؛ در واقع جاذبه فضا، آنان را به مشارکت وامی دارد. این درحالیست که در فضاهای خصوصی (داخل واحدها)، علی رغم نارضایتی زیاد از خانه، ساکنین تمایل زیادی به ایجاد تغییرات شخصی در محیط داشته اند.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین نسبت هویت و شخصی سازی در مجتمع های مسکونی حداقلی.
۲. تعیین پیامدهای شخصی سازی در مجتمع های مسکونی حداقلی.

سؤالات پژوهش:

۱. نسبت هویت و شخصی سازی در مجتمع های مسکونی حداقلی چگونه است؟
 ۲. پیامدهای شخصی سازی در مجتمع های مسکونی حداقلی چیست؟
- کلیدواژه ها: مسکن، هویت، شخصی سازی، خود گسترده، خوانایی.

مقدمه

جهان در قالب عین و ذهن برای انسان معنی می‌یابد. انسان‌ها با تفکر و تجربه، اطلاعات را دریافت می‌کنند، آن‌ها را ادراک نموده و منجر به شناخت محیط می‌شود. انسان در فضای بی‌کران و بی‌جهت قابلیت مسیریابی ندارد، لذا نشانه‌هایی را در محیط شناسایی یا ایجاد می‌کند. نشانه‌ها بنابر انتخاب هر فرد ساخته می‌شوند و به‌نوعی ردّ پای او محسوب می‌شوند. همان‌طور که سبک پوشش، گفتار و رفتار هر فرد برآیند ویژگی‌ها و خواست‌های درونی او و عوامل بیرونی (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، محیطی و...) است، محیط زندگی هر فرد نیز تحت‌تأثیر برآیند این عوامل بیرونی و درونی است. با این تفاسیر، انسان‌ها محیط زندگی خود و «مکان» را براساس انتخاب‌های خود و بالفعل درآوردن آن‌ها، «شخصی‌سازی» می‌کنند. همان‌طور که انسان‌ها ممکن است استفاده از پوشش یکسان در محل کار را بپذیرند؛ اما تمایل دارند در خانه که حریم خود می‌دانند آن‌طور که دوست دارند لباس بپوشند، نسبت به معماری مکان نیز همین احساس را دارند؛ یعنی اگرچه ممکن است به‌راحتی در ساختمان‌ها و اتاق‌هایی مشابه با سایرین به کار و فعالیت بپردازند، اما دوست دارند زبان معماری خانه خود را به دستور زبان شخصی خود ترجمه کنند، لذا یکسان بودن آن کسالت‌بار خواهد شد.

خانه، مکانی است که عموماً انسان از بدو تولد در آن زندگی می‌کند، از آن تأثیر گرفته و بر آن تأثیر می‌گذارد. همچنین اغلب به دلیل حاکم نبودن قوانین و مقررات شهرها و کشورها در داخل محیط خانه و به دلیل محدود بودن و شناخته‌شده بودن کاربران عرصه‌های مشاع در مجتمع‌های مسکونی، افراد تمایل بیشتری به «شخصی‌سازی» این فضاها دارند؛ هم آزادی بیشتری برای این فرایند دارند و هم مکانی دائمی‌تر برای افزودن تعلقات انسان‌ها بدان است، برخلاف فضاهای عمومی و شهری که دائماً در تغییر و در معرض اتفاقات پیش‌بینی نشده است.

در این پژوهش، «شخصی‌سازی» در مجتمع‌های مسکونی شامل فضای خانه‌ها و فضاهای مشترک (مشاع) بررسی خواهد شد. مجتمع مسکونی زیتون، به‌منظور بررسی انتخاب شده است. این مجتمع، مجتمع مسکن مهر واقع در فاز ۳ شهر پردیس هست.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. روش پژوهش در دستیابی به مبانی نظری موضوع، شیوه کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی بوده است. با انتخاب شهر موردنظر (شهر پردیس)، مطالعه میدانی با شیوه پرسه‌زنی، مشارکت فعال و گفت‌وگو با ساکنین مجتمع‌های مسکونی انجام شد. برای بررسی نظریه‌های موجود در زمینه شخصی‌سازی در مجتمع‌های مسکونی، نمونه موردی (مجتمع زیتون) از مسکن مهرشهر پردیس انتخاب شد. رویکرد جمع‌آوری داده‌ها، نگرش‌سنجی از ساکنین و شیوه آن، پرسش‌نامه با سؤالات بسته و باز بود. اندازه جامعه آماری، ۳۷۸ واحد مسکونی دارای سکونت بود که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۱۹۰ واحد مسکونی به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب شد. شیوه نمونه‌گیری، نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی‌شده بود؛ بدین‌صورت که تعداد نمونه‌ها بر اساس تعداد بلوک‌ها (۸ بلوک) به‌طور

طبقه‌بندی شده انتخاب شد. سپس در داخل هر بلوک، نمونه‌ها به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. شیوه به‌کاررفته شده در تحلیل داده‌ها، شیوه‌های آماری مربوط به سنجش فراوانی و روابط همبستگی پیرسون بوده است که با کمک نرم‌افزار تحلیلی SPSS انجام شد.

نتیجه‌گیری

در مجموع به نظر می‌رسد میزان نارضایتی ساکنین از قسمت‌های مختلف مجتمع مورد بررسی، بیش از متوسط است و این در حالی است که در مجموع میزان مشارکت آنان در برطرف نمودن منشأ نارضایتی‌ها نیز بسیار کم است. نتایج حاکی از آن است که اگرچه فضای باز این مجتمع از نظر عناصر گیاهی و طبیعی فقیر است و ساکنان نیز از این وضع ناراضی‌اند، اما اقدامی نیز برای رفع آن انجام نمی‌دهند. اما در فضاهای بسته عمومی، ساکنینی که رضایتشان از فضای لابی و نارضایتی‌شان از همسانی شکل واحدها در حد بالاتری است، برای ایجاد زیبایی و تغییر در بلوک خود نیز بیشتر می‌کوشند. به نظر می‌رسد هرچه از فضاهای عمومی‌تر به فضای خصوصی‌تر می‌رسیم، دغدغه ذهنی و تمایل به مشارکت برای تغییر و شخصی‌سازی افزایش می‌یابد. به طور مثال، فارغ از رضایت داشتن یا نداشتن از ابعاد فضاها، موضوع تغییر ابعاد فضاها، از دغدغه‌های مهم ذهنی ساکنین بوده است.

درحقیقت، نتایج نشان می‌دهد که در مجتمع مسکونی زیتون، تبیین هویت فردی از طریق شخصی‌سازی (بیان خود گسترده) به تبیین هویت جمعی (خوانایی) برای ساکنین ارجح است. به نظر می‌رسد در سایر مجتمع‌های مسکن مهر (شبیه به نمونه موردی) که در شهر پردیس ساخته شده‌اند، همین نتایج حاکم باشد و ساکنینی که نتوانسته‌اند به‌گونه‌ای شایسته، خود گسترده و هویت فردی خویش را از طریق شخصی‌سازی و منحصر به فرد بودن بیان نمایند، نسبت به تبیین هویت جمعی نیز دغدغه‌مند نخواهند بود.

همچنین منفعل ماندن ساکنین نسبت به عوامل نارضایتی می‌تواند به دلایل زیر باشد:

- ✓ عدم توانایی آنان در تغییر موارد ثابت (ابعاد خانه، فرم و نمای بلوک‌ها)
- ✓ عدم وجود تصمیمات منسجم توسط هیئت‌مدیره‌ها برای مدیریت و ساماندهی فضای سبز و وضعیت گیاهان و تشویق ساکنین به کاشت، رسیدگی و نگهداری
- ✓ عدم اطمینان آنان از میزان ادامه سکونتشان در این مجتمع. در واقع وقتی آنان مطمئن نیستند که چند ماه یا چند سال دیگر می‌خواهند در این مجتمع بمانند، تمایلشان به مشارکت در ارتقای شرایط کیفی و کالبدی مجتمع کاهش می‌یابد و بی‌انگیزه می‌شوند.
- ✓ عدم پیگیری مصرانه مطالبات از سوی ساکنین. به طور مثال درحالی‌که میانگین سنی ساکنین ۳۴ سال است و اغلب خانم‌های ساکن نیز خانه‌دار هستند و نیاز به گذران اوقات خود در فضای باز مجتمع دارند و همچنین وضعیت فضای باز را نیز نامناسب ارزیابی کرده‌اند، اما تاکنون هیچ تلاش منجر به اقدامی برای بهبود این وضعیت ننموده‌اند و بنابر مشاهدات میدانی، فضای باز مجتمع، صرفاً به فضایی جهت پارک ماشین‌ها بدل شده است.

فهرست منابع و مآخذ:

- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۶). معماری و راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن، ترجمه مهرداد قیومی بید هندی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بنتلی، ای. ین. (۱۳۸۲). محیط‌های پاسخ‌ده، کتاب راهنمای طراحان شهری، ترجمه: مصطفی بهزادفر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- بمانیان، محمدرضا؛ غلامی رستم، نسیم و رحمت‌پناه، جنت. (۱۳۸۹). «عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی، نمونه موردی: خانه رسولیان یزد»، دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی، دوره ۷، شماره ۱۳، ۳۳.
- سجادی قائم‌مقامی، پروین سادات؛ پوردیهیمی، شهرام و زرغامی، اسماعیل. (۱۳۸۹). «اصول پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی از دید جامعه صاحب‌نظران و متخصصان ایرانی»، صغه، شماره ۵۱، ۲۲.
- شوئنوثر، نوربرت. (۱۳۸۹). مسکن، حومه و شهر، ترجمه: شهرام پور دیهیمی، تهران: انتشارات روزنه.
- عینی‌فر، علیرضا. (۱۳۷۹). «عوامل انسانی - محیطی مؤثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۸، ۶۶.
- قطبی، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). «مفهوم هویت و معماری امروز ایران». آینه خیال، شماره ۱۰، ۱۴.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۱). سیمای شهر، ترجمه: منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مدنی، رامین و شفایی، مینو. (۱۳۹۲). «راهکارهای طراحی عرصه میانه با رویکرد جبران‌سازی مسکن حداقل در ایران»، معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۱۱، ۱.
- میر مقتدایی، مهتا. (۱۳۸۳). «معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها»، هنرهای زیبا، شماره ۱۹، ۱۲.
- نور برگ شولتز، کریستین. (۱۳۸۱). معماری: حضور، زبان و مکان، ترجمه: علیرضا سید احمدیان، تهران: مؤسسه معمار - نشر.
- هال، استوارت. (۱۳۸۲). «رمزگذاری و رمزگشایی». در سایمون دیو رینگ، مطالعات فرهنگی (مجموعه مقالات)، ترجمه: نیما ملک‌محمدی و شهریار وقفی‌پور، تهران: نشر تلخون.
- Barbara B. Brown and Carol M. Werner. (۱۹۸۵). "Social Cohesiveness, Territoriality, and Holiday Decorations: The influence of Cul-de-Sacs", **Environment and behavior**, vol. ۱۷, No. ۵.
- K. M. Korpela. (۱۹۸۹). "Plan-Identity as a product of Environmental Self-Regulation", **Journal of Environmental Psychology**, Vol. ۹, No. ۳.
- R.B. Hull IV. (۱۹۹۲). "Image Congruity, Place Attachment and Community Design", **Journal of Architecture and Planning**, Vol. ۹, No. ۳.
- Rapoport, A. (۱۹۶۹). **House Form and Culture**, Prentice-Hall, Englewood Cliffs, N.
- Russell W. Belk. (۱۹۸۸). "Possessions and the Extended Self", **Journal of Consumer Research**, Vol. ۱۵, No. ۲.
- So. Gur and O. Enon. (۱۹۹۰). "The Changing Socio-Spatial Aspects of Neighborhoods and Their Design Implications, Ankara, **IAPS-METU**, vol. ۵.
- Woodward, K. (۲۰۰۳). **Understanding Identity**, Hodder Arnold, London, UK.